Archive of SID

*پژوهش‌نامهٔ زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال هفتم، شمارهٔ دوم، تابستان ۱۳۹۵، ٤٥ – ٦١

# ارزیابی عملکرد بوستان‌های زنان در ارتقای عدالت جنسیتی در شهرهای اسلامی

## نمونهٔ موردی: بوستان مادر آزادگان، منطقهٔ ۱۵ شهر تهران

**مریم برومند***

**سولماز رضایی****

**چکیده**

امروزه شهرسازی مردانه و محیط‌های نامطلوب شهری سبب شده است که بهره‌مندی زنان از فضاهای عمومی شهری کاهش یابد و نوعی از بی‌عدالتی در جامعه حاکم شود. این پژوهش به‌منظور بررسی عملکرد بوستان زنان در ارتقای عدالت جنسیتی در شهرها، به‌صورت موردی در بوستان مادر پارک آزادگان واقع در منطقهٔ ۱۵ شهر تهران انجام شده است. نتایج این پژوهش شهری ـ راهبردی بر پایهٔ روش تحقیق ارزیابی و هم‌بستگی نشان می‌دهد که دسترسی، آزادی حضور، و امنیت از دید زنان مهم‌ترین شاخص‌های دست‌یابی به عدالت جنسیتی است و میان این شاخص‌ها و عملکرد بوستان زنان در دست‌یابی به عدالت جنسیتی رابطهٔ معنادار وجود دارد. بنابراین احداث و توسعهٔ بوستان‌های زنان به‌سبب ایجاد بستری مناسب برای گذران اوقات فراغت و محیط‌هایی سرزنده و فعال در افزایش حضور انتخابی زنان در فضاهای شهری و برقراری تعاملات اجتماعی آنان مؤثر است و به این دلیل افزایش سهم زنان از فضاهای شهری راه‌کاری عملی برای دست‌یابی به عدالت جنسیتی در کشورهای اسلامی به‌شمار می‌رود.

**کلیدواژه‌ها:** زنان، عدالت جنسیتی، بوستان زنان، برنامه‌ریزی شهری، فضای شهری.

---

* دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد (نویسندهٔ مسئول)، mry.brmd@gmail.com

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، solmaz_rezaiee@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۳/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱٦

www.SID.ir

Archive of SID



## ۱. مقدمه

انسان‌ها شهرها را می‌سازند، اما شهر به‌سان مولودی است که پس از آفرینش به یک‌باره تغییر نقش می‌دهد و از مفعول به فاعل تبدیل می‌شود. به بیان دیگر، از این پس شهرها انسان‌ها را می‌آفرینند. ویژگی‌های شهرهاست که به سرزندگی ساکنانش منجر می‌شود یا آن‌ها را به انسان‌هایی کسل تبدیل می‌کند، نیازهای جسمی و روانی شهروندانش را تأمین می‌کند یا موجب بروز آسیب‌های جسمی و روحی در آنان می‌شود. هم‌چنین شهر و فضاهای آن هرگز نباید به گروه خاصی از ساکنان اختصاص یابد، بلکه باید مفهوم همهٔ شهر برای همهٔ مردم شهر در جای جای آن احساس شود. از آن‌جا که شهرها را عموماً مردان می‌سازند، در حق زنان و نقششان در شهرها و بهره‌مندی آنان از فضاهای شهری در موارد متعددی اجحاف شده است. به گونه‌ای که اساساً حضور زنان در این مجموعهٔ انسانی، صرف نظر از تأثیر آن در ارتقای درجهٔ توسعه‌یافتگی کشور (رحمانی و مجیدی، ۱۳۸۸: ۱۲)، با مشکلات گوناگونی روبه‌رو است؛ در حالی که در دو دههٔ اخیر در برخی زمینه‌ها پیش‌رفت‌هایی [گوناگون] حاصل شده است، اما پس‌رفت‌هایی نیز در زمینه‌های گوناگون مربوط به زنان به وقوع پیوسته است (عزیزی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳٦). این مسئله برقراری عدالت جنسیتی در شهرها را به چالش کشانده است و گاه آن را نقض می‌کند. اگرچه از دههٔ ۱۹۷۰ تلاش برای بهبود فضاهای شهری و مناسب‌سازی آن‌ها برای استفادهٔ همهٔ گروه‌ها اعم از زن، مرد، کودک، سالمند و معلول آغاز شد، اما فقدان توازن در استفاده از فضاهای شهری برای زنان و مردان هم‌چنان در حکم یکی از مشکلات شهرهای امروزی مطرح است.

افزون بر علل ناشی از شهرسازی مردانه و طراحی نادرست فضاهای شهری، آموزه‌های مذهبی و شرایط فرهنگی ـ اجتماعی خاص کشورهای اسلامی مانند ایران بهره‌مندی زنان از فضاهای شهری را با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌کند؛ محدودیت‌هایی که مانع مهمی بر سر تعاملات اجتماعی زنان ایجاد و سلامت آنان را با خطراتی مواجه می‌کند و مفهوم عدالت جنسیتی را کم‌رنگ می‌کند. بنابراین لازم است با اتخاذ راه‌کارهای مناسب از بروز و تشدید چنین مشکلاتی در شهرها پیش‌گیری کرد. به همین منظور، پژوهش حاضر به بررسی نقش و جایگاه بوستان زنان (به‌منزلهٔ فضاهای شهری) در برقراری مفهوم عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی پرداخته است.

## ۲. اهداف و فرضیه‌های پژوهش

اهداف پژوهش حاضر در دو گروه اهداف اصلی و فرعی عبارت‌اند از:

www.SID.ir

Archive of SID



الف) هدف اصلی:

بررسی عملکرد بوستان زنان به‌منزلهٔ فضای شهری در ارتقای عدالت جنسیتی در کشورهای اسلامی.

ب) اهداف فرعی:

۱. شناسایی شاخص‌های دست‌یابی به عدالت جنسیتی از دید زنان؛

۲. بررسی عملکرد بوستان‌های زنان در تأمین مهم‌ترین شاخص‌های دست‌یابی به عدالت جنسیتی از دید زنان.

بر این اساس فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

**فرضیهٔ یک:** به‌نظر می‌رسد دسترسی، آزادی حضور، و امنیت از دید زنان مهم‌ترین شاخص‌های دست‌یابی به عدالت جنسیتی است.

**فرضیهٔ دو:** به‌نظر می‌رسد عملکرد بوستان زنان در تأمین مهم‌ترین شاخص‌های دست‌یابی به عدالت جنسیتی از دید زنان در مجموع مطلوب است.

## ۳. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش محمدی (۱۳۸۷) با هدف تشخیص معیارهای کالبدی و اجتماعی تأثیرگذار در افزایش یا کاهش حضور و انواع فعالیت‌های اجباری، اختیاری، و اجتماعی زنان در فضای محله‌ای انجام شده است. چهارچوب و نظریهٔ اصلی استفاده‌شده در این تحقیق نظریهٔ فمینیستی اصول اخلاقی مراقبتی بوده که بر مبنای مجموعه مطالعات ۱۸۱ پرسش‌نامه تکمیل شده است. نتایج حاکی از آن است که میان عوامل تأثیرگذار در حضور زنان و مردان در فضای محله‌ای چیذر تفاوت شایان توجهی وجود دارد.

مقالهٔ دهنوی و معیدفر (۱۳۸٤) با هدف بررسی رابطهٔ میان پیامدهای احساس نابرابری جنسیتی و به‌ویژه احساس نابرابری و انگیزهٔ تحرک اجتماعی (به‌منزلهٔ یکی از پیامدهای احساس نابرابری) در میان دختران دانشجو انجام شده است. نظریهٔ اصلی این پژوهش نظریهٔ چافتز بوده که به‌صورت موردی دربارهٔ دانشجویان دختر دانشگاه تهران انجام شده است. بنا بر یافته‌های تحقیق، ۹۵ درصد از دانشجویان در جمعیت نمونه احساس نابرابری بالا و بسیار بالا و ۹۹ درصد انگیزهٔ تحرک بالا و بسیار بالا داشتند. درمجموع ۵۲ درصد از تغییرات انگیزهٔ تحرک اجتماعی با احساس نابرابری تبیین شده است که خود شامل پنج بعد است: ۱. احساس نابرابری سیاسی، ۲. احساس نابرابری حقوقی، ۳. احساس نابرابری اجتماعی، ٤. احساس نابرابری فرهنگی، و ۵. احساس نابرابری اقتصادی.

www.SID.ir

Archive of SID



کاظمی (۱۳۸۸) در رسالهٔ دکتری خود به بررسی ارتباط میان جنسیت و معماری و حل مشکل جنسیتی شدن فضا با تمرکز بر فضای پارک پرداخته است. براساس نتایج به‌دست آمده، پدیدهٔ جنسیتی شدن فضای عمومی دلیلی بر افت کیفیت و مطلوبیت فضا و هم‌چنین نمایانگر ناکارآمدی آن و تبدیل فضایی عام به فضایی خاص است. به‌طور کلی، سهولت دسترسی به پارک، برانگیختن حس تسلط فضایی، و تفکیک قلمروها در پارک‌های شهری راه‌کارهایی برای جلوگیری از جنسیتی شدن فضای پارک به‌شمار می‌روند، راه‌کارهایی که مستقیماً با مکان‌یابی و طراحی پارک در ارتباط‌اند. هم‌چنین جایگاه سیاست‌گذاران (شهرداری‌ها) در نحوهٔ استفاده از فضا و جنسیتی کردن یا نکردن آن اهمیت ویژه‌ای دارد.

مجموعهٔ *مرتبط با برابری جنسیتی برنامهٔ سازمان ملل متحد* که سارا داگلاس (Sarah Douglas) (۱۳۸۵) تدوین کرده و تحت نظارت UNDP (United Nations Development Program) ضمن پرداختن به موانع و مشکلات عمدهٔ فراروی زنان در دسترسی به عدالت، برای اصلاح و جبران نابرابری‌ها راه‌بردها و فعالیت‌هایی را توصیه می‌کند. دستور کار فعالیت‌های UNDP در زمینهٔ جنسیت و عدالت، مهم‌ترین مسائل جنسیتی در طرح‌های مرتبط با عدالت، مروری بر سوابق و فعالیت‌های UNDP در زمینهٔ ارتقای دسترسی به عدالت، و نکاتی برای ورود به ارتقای دسترسی زنان به عدالت سرفصل‌های نشریهٔ فوق بوده که با حمایت سازمان ملل متحد به فارسی ترجمه شده است.

## ۴. چهارچوب نظری پژوهش

### ۱.٤ مفهوم فضای عمومی و عملکرد آن

تعریف عملیاتی از مفهوم فضای عمومی شهری در پژوهش حاضر فضایی است مبین زندگی روزمرهٔ شهروندان، که عموم افراد به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند و فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیونددهندهٔ افراد جامعه است در آن انجام می‌دهند. بعد عملکردی یک فضا شامل دو موضوع است: فضا چگونه کار می‌کند و طراحان و برنامه‌ریزان شهری چگونه می‌توانند فضاهای بهتری بسازند. این بعد خود متأثر از دو جنبهٔ اجتماعی و بصری است. بعد اجتماعی به این‌که مردم چگونه از فضا استفاده می‌کنند برمی‌گردد در حالی که بعد بصری به قواعد زیبایی‌شناختی بستگی دارد.

بر اساس ترکیب نتایج تحقیق و ایده‌هایی که دربارهٔ استفاده و طراحی فضاهای عمومی انجام شده است، کار و همکاران اظهار می‌دارند که افزون بر معنادار بودن (اجازه دادن به

www.SID.ir

Archive of SID



مردم دربارهٔ برقراری ارتباطات قوی میان مکان زندگی خصوصی خود و فضای بزرگ‌تر) و دموکراتیک بودن (حفظ حقوق همهٔ استفاده‌کنندگان و در دسترس بودن فضا برای همهٔ گروه‌ها و فراهم کردن آزادی در عمل)، فضاهای شهری ما باید پاسخ‌گو هم باشند؛ بدین معنا که طراحی و مدیریت شوند تا نیازهای استفاده‌کنندگان را برطرف کنند. این فضاها باید پنج نیاز اولیه را پاسخ‌گو باشند: راحتی، آسایش، درگیر شدن غیرفعال با محیط، درگیر شدن فعالانه با محیط، و امکان کشف محیط. فضاهای خوب اغلب بیش از یک نیاز را پاسخ‌گویند (Carr et al., 1992).

## ۲.٤ نظریه‌های عدالت جنسیتی

### ۱.۲.۴ نظریه‌های جامعه‌شناختی

#### ۱.۱.۲.٤ نظریهٔ بلومبرگ (Blumberg)

نظریهٔ بلومبرگ نظریه‌ای مارکسیستی است. وی جایگاه زنان را به نسبت مردان در جوامع گوناگون، از جوامع آغازین گرفته تا جوامع کاملاً پیچیدهٔ اواخر قرن بیستم، شرح می‌دهد. لایه‌بندی جنسیتی بلومبرگ مبتنی بر میزان کنترل زنان بر ابزار تولید و مقدار تخصیص مازاد تولید (یا ارزش افزوده) به آنان در مقایسه با مردان است. این کنترل بر منابع اقتصادی به زنان قدرت اقتصادی می‌دهد و این قدرت در قدرت سیاسی، منزلتی، و منابع دیگر تأثیر می‌گذارد. از دید بلومبرگ، نابرابری جنسیتی در سطوح گوناگون وجود دارد؛ از جمله روابط مردان و زنان در خانواده‌ها، اجتماعات محلی، و دولت‌ها (دهنوی و معیدفر، ۱۳۸٤: ٦۱). به باور بلومبرگ، به‌دست آوردن و کنترل قدرت اقتصادی، کنترل ابزار تولید، و تحصیص دستاوردهای تولید شرایطی بحرانی است که بر جایگاه زنان در جامعه اثر می‌گذارد (Turner, 1997: 233).

#### ۲.۱.۲.٤ نظریهٔ چافتز (Chaftez)

چافتز از نظریه‌پردازانی است که تبیین‌های علمی خود را در راستای لایه‌بندی جنسیتی گسترش داده است. بیش‌تر تلاش‌های او در راستای عدالت جنسیتی است. نظریهٔ او دربردارندهٔ مجموعه‌ای از الگوها و طرح‌ها برای شرح دادن دو مسئله است:

۱. نیروهای بقای نظام‌های نابرابر جنسیتی؛

۲. پرداختن به این‌که چگونه نظام‌های لایه‌بندی می‌توانند دگرگون شوند (دهنوی و معیدفر، ۱۳۸٤: ٦۲-٦۳).

www.SID.ir

Archive of SID



چافتز دگرگونی نظام نابرابری و لایه‌بندی جنسیتی را در دو نوع خودآگاهانه و ناخودآگاهانه جای می‌دهد. در ارتباط با نوع اول، فرایندهای بسیاری وجود دارد که موجب دگرگون‌سازی لایه‌بندی جنسیتی می‌شود؛ از جمله دگرگونی‌های طولانی‌مدت در توزیع منابع یا نوسانات کوتاه‌مدت در فرصت‌ها برای زنان. دگرگونی آگاهانهٔ لایه‌بندی جنسیتی مشتمل بر تلاش نخبگان و زنان است. نخبگان جامعه به دلایلی می‌کوشند از دگرگون‌سازی نابرابری جنسیتی پشتیبانی کنند. این پشتیبانی ممکن است ناشی از این باشد که لایه‌بندی جنسیتی جایگاه آنان را در مقام نخبگان جامعه به خطر می‌اندازد. از سویی لایه‌بندی جنسیتی طرح‌ها و اهداف نخبگان را خنثی می‌کند. هم‌چنین آن‌ها به‌دلیل دست یافتن به پشتیبانی زنان در رقابت با دیگر نخبگان از دگرگونی در لایه‌بندی جنسیتی حمایت می‌کنند (ترنر، ۱۳۷۳: ۲۳۸).

### ۲.۲.۴ نظریه‌های فمینیستی

فمینیسم مانند اغلب نگره‌های فلسفی دیگری که دامنهٔ گسترده دارند، گونه‌های متنوعی را در خود جای می‌دهد. هریک از این نگرش‌ها پاسخی جزئی و قطعی به مسئلهٔ زن است که چشم‌اندازی منحصر به فرد با نقاط قوت و ضعف نهفته در روش‌شناسی خود ارائه می‌دهد (تانگ، ۱۳۸۷: ۱۶–۲۵).

#### ۱.۲.۲.٤ فمینیسم لیبرال

اغلب نظریه‌های فمینیستی معاصر چهارچوب نظری خود را با موضع‌گیری علیه فمینیسم لیبرال سنتی تبیین می‌کنند. قالب کلاسیک این نگرش را باید در *استیفای حقوق زنان* اثر مری ولستون کرافت (Wolstonecraft, 1975) و *انقیاد زنان* اثر جان استوارت میل (Mill, 1970) یافت. نیروی پیش‌برندهٔ این پافشاری این است که فرودستی زنان در مجموعهٔ قید و بندهای عرفی و قانونی ریشه دارد؛ یعنی در قید و بندهایی که راه را برای ورود زنان به سپهر موسوم به عمومی و موفقیت در آن می‌بندند. از آن‌جا که جامعه به‌غلط زنان را از نظر فکری و جسمی ذاتاً از مردان ضعیف‌تر می‌داند، آنان را از دانشگاه، بازار کار، و صحنهٔ کارزار عمومی کنار گذاشته و استعداد بسیاری از زنان به‌دلیل همین حذف از شکوفایی باز مانده است.

#### ۲.۲.۲.٤ فمینیسم مارکسیستی

به باور فمینیست‌های مارکسیست ممکن نیست کسی به‌ویژه از میان زنان بتواند در جامعه‌ای طبقاتی، که اختیار دسترنج هزاران انسان فاقد قدرت در دست شمار اندکی از صاحبان قدرت است، به فرصت‌های برابر دست یابد. این گروه در هم‌زبانی با فردریش

www.SID.ir

Archive of SID



انگلس (Engels, 1972) ادعا می‌کنند که ریشهٔ ستم بر زنان در مالکیت خصوصی است که بر هر گونهٔ برابری که پیش از آن در جوامع بشری وجود داشت خط بطلان کشید.

#### ۳.۲.۲.٤ فمینیسم رادیکال

به باور رادیکال فمینیست‌ها، ستم بر زنان محصول نظام مردسالاری است که قدرت، سلطه، سلسله‌مراتب، و رقابت از ویژگی‌های آن است. نظام مردسالار اصلاح‌پذیر نیست و باید آن را ریشه‌کن کرد. نه‌فقط ساختارهای سیاسی و قانونی مردسالاری، که نهادهای اجتماعی و فرهنگی آن، به‌ویژه خانواده، دانشگاه، و کلیسا نیز باید سرنگون شوند.

#### ٤.۲.۲.٤ فمینیسم روان‌کاوانه

فمینیست روان‌کاوانه ریشهٔ ستم بر زنان را در ژرفای روان آن‌ها نهفته می‌یابند. *جنس دوم* اثر سیمون دوبووار (De Beauvoir, 1974)، که شاید مهم‌ترین متن نظری در عرصهٔ فمینیسم قرن بیستم به‌شمار آید، تبیینی وجودگرایانه از موقعیت زنان به‌دست می‌دهد. به باور دوبووار، زنان به‌دلیل دیگر بودن ستم می‌بینند. زن، دیگر است؛ زیرا مرد نیست. مرد یعنی خود، یعنی هستی آزادی که به وجود خویش معنا می‌بخشد و زن یعنی دیگر یا شیئی که به او معنا می‌بخشند. اگر زن بخواهد فاعل شود، باید مانند مرد از تعاریف و برچسب‌هایی که وجودش را محدود می‌کند فراتر رود و خود را همان کند که می‌خواهد.

### ۳.٤ رویکردهای مربوط به زنان و فضاهای شهری

#### ۱.۳.۴ رویکرد عدم مشمولیت

پیش از انقلاب صنعتی در اروپا و امریکا براساس جنسیت دو قلمرو وجود داشت: ۱. زنان به فضای خانه یا نزدیکی محل سکونت تعلق داشتند و در مقابل مردان به مکان‌های دور از خانه دسترسی راحت داشتند، مکان‌هایی که سایر مردم در آن‌جا جمع می‌شدند (Krenichyn, 2004: 117). به‌عبارت دیگر، وظایف مردان در ارتباط با کارهای سنگین و با فاصله از خانه در نظر گرفته شده بود و جامعهٔ ایده‌آل نیز برای آنان برنامه‌ریزی و طراحی می‌شد. پس از انقلاب صنعتی و با جدایی خانه و تولید، دو قلمرو خانه و فضای عمومی ایجاد شد. خانه پناهگاهی برای آسایش، محبت، معنویات، و عاری از هرگونه کار و فعالیت بود. زنان نه‌فقط باید فضایی برای بازیابی ایده‌آل همسرانشان ایجاد می‌کردند، بلکه باید پرستار و حافظ ارزش‌های معنوی شوهران و فرزندان نیز می‌بودند. با این ذهنیات و تصورات، مفاهیم دوگانه و ایدئولوژیکی شکل گرفت: ۱. خصوصی/ عمومی، ۲. خانه/ کار،

www.SID.ir

Archive of SID



۳. زن/ مرد، و ٤. حومه/ شهر. فکر قلمرو مجزا هم ایده‌آل بود و هم توجیه ایدئولوژیک داشت. اگرچه زنان معمولاً متعلق به‌شمار می‌رفتند، اما بسیاری از آنان به دلایلی به قلمروهای عمومی مانند کارهای روزمزد وارد می‌شدند. آن‌ها به تبعیض‌های موجود اعتراض می‌کردند و وظایفشان به وظایف مردانه در قلمرو خصوصی توسعه یافت. به این ترتیب ایدهٔ جدایی جنسیتی، جدایی فعالیت‌ها، و فضاها در اصول برنامه‌ریزی، طراحی، و منطقه‌بندی ظهور یافت. برای نمونه دربارهٔ حمل و نقل عمومی، نقش اقتصادی مردان و برنامه‌های آنان به‌منزلهٔ یک اصل در مکان‌یابی و برنامه‌ریزی بدون توجه به اشتغال زنان، مسئولیت‌های مراقبتی، و برنامه‌های زنان در طول روز در نظر گرفته می‌شد (Franck, 2002: 353).

### ۲.۳.۴ رویکرد مشمولیت زنان در فضای شهری

با جدایی تولید از خانه، قلمروهای خانه و فضای عمومی شخصیت و هویت متفاوت یافت. از آن‌جا که مکان مناسب برای زنان به‌صورت تاریخی در خانه و نزدیک آن در نظر گرفته می‌شد، زنان کم‌تر از مردان در فضاهای عمومی حضور می‌یافتند؛ به‌ویژه هنگامی که ضرورتی برای انجام فعالیت و مسئولیت‌های محوله‌شان مانند خرید وجود نداشت. برای مثال در زمان سلطنت ملکهٔ انگلستان حضور زنان در خیابان‌ها نوعی گستاخی به‌شمار می‌رفت، موضوعی که هنوز در بسیاری از کشورهای اسلامی وجود دارد. حضور زنان شاغل برای حضور زنان در فضاهای عمومی بستری فراهم کرد؛ اگرچه هنوز هم محدودیت‌هایی مانند ترس از آزار جنسی و ناامنی در این میان وجود دارد (محمدی، ۱۳۸۷: ۷۹).

با گذشت زمان و توسعهٔ مفهوم شهروندی، به آزادی سیاسی و تولید اجتماعی فضا توجه شد. درواقع زنان با استفاده از مفهوم شهروندی حقوقشان را از شهر طلب می‌کنند. تأکید بر فضاهایی با قابلیت‌های گوناگون مشتمل بر دو جهت کلی است:

۱. درخواست برای تغییر در فرایند برنامه‌ریزی شهری با هدف توجه به حق بیان زنان؛

۲. مشمولیت زنان از طریق ایجاد ساختارهای نهادی و تقویت رویکرد جنسیتی در حکم‌روایی شهری.

تشکیلات زنان در مقام شهروند، اغلب مشتمل بر موضوع قلمرو و فضاست؛ به صورتی که زنان بر استراتژی‌های مکانی تکیه دارند تا فضاهای سیاسی جدیدی را در شهر برای خود ایجاد کنند. در این میان موضوع‌های اولیه‌ای مانند حرکت، امنیت، اسکان، و خدمات شهری و نیز توجه به فضای زندگی شهروندانی که به حاشیه رانده شده‌اند نیز در نظر گرفته می‌شود (همان: ۸۰).

www.SID.ir

Archive of SID



امروزه زنان این مسئله را به چالش کشیده‌اند که چه کسی شهرها را توسعه می‌دهد؟ در حالی که تعداد بسیار کمی از معماران و مهندسان را زنان تشکیل می‌دهند. در سال ۱۹۹۲ در وینا محله‌ای مسکونی با ۳۵۰ واحد براساس طرحی حساس به مسائل جنسیتی ارائه شد. این طرح، که به‌دست یک معمار زن انجام شد، پروژه‌ای است شامل تعداد متنوعی از واحدها، فضاهای باز عمومی، و خیابان‌های زنده و باطراوت برای بازی کودکان. زنان معمار، که هرگز در فهرست برگزیدگان این شهر نبودند، تشویق شدند و هیئتی از زنان معمار و برنامه‌ریز تشکیل شد. بدین ترتیب بود که خواست زنان برای اعادهٔ حقوقشان با هدف مشمولیت در شهر به‌صورت سازمانی درآمد و بر اشکال گوناگون شامل تشکیل گروه‌های زنان در دولت‌های محلی، مانند فرانکفورت و هامبورگ، کمیته و انجمن‌های زنان در دولت‌های محلی، مانند امریکا و بریتانیا، و کمیته‌های خاص در دولت‌های شهری علیه آزار زنان و اسکان آنان تمرکز شد و برنامه‌ریزان جنسیتی در میان گروه‌های برنامه‌ریزی شهری قرار گرفتند (Wekerle, 2000: 210-212).

### ۳.۳.۴ مدل اخلاقی مراقبتی (the ethic of care model)

این مدل استفادهٔ زنان از فضاهای عمومی را، با تصور زنان از وظیفهٔ مراقبت و هم‌چنین توسعهٔ محدودیت‌های مراقبتی، برای آنان محدود می‌کند. این چهارچوب هم‌زمان امکاناتی برای زنان در زمینهٔ دریافت مراقبت از جانب دیگران و ایجاد امکاناتی برای افزایش مراقبت و توسعهٔ فضاهای عمومی فراهم می‌کند. اصول اخلاقی مراقبتی مدلی از توسعهٔ اخلاقی و معنوی است که در آن نیازهای ضروری و اخلاقی در ارتباط با نیازهای مراقبتی و ارتباطات پایدار مد نظر قرار می‌گیرد. در مطالعات محیط ـ رفتار اصول اخلاقی ـ مراقبتی به توضیح بسیاری از محدودیت‌های زنان در فضای عمومی اشاره دارد. این مدل بر امکان آشکار شدن جنبه‌های مثبت ارتباط زنان با فضاهای عمومی اشاره دارد و فرصت‌های جدیدی را برای افزایش رفاه در این فضاها پیش‌نهاد می‌کند. این مدل منبعی برای بیان امکانات و محدودیت‌های زنان در استفاده از فضاهای عمومی است و بر دو عرصهٔ ترجیح و ترس از جنایت متمرکز است (Day, 2000: 103-105).

اصول اخلاقی مراقبتی هم در حکم محدودیت و هم امکانی برای زنان در استفاده از فضاهای عمومی شهری تلقی می‌شود. محدودیت‌ها شامل ویژگی‌هایی است که میان فعالیت زنان در فضاهای عمومی، تجارب، و رضایت آن‌ها دربارهٔ استفاده از فضای عمومی فاصله می‌اندازد. این موارد به‌اختصار به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

www.SID.ir

Archive of SID



۱. محدودیت منابع (زمان، منابع مالی، تحرک، تعامل اجتماعی، خدمات، و فرصت‌ها)؛
۲. احساسات محدودکننده (نگرانی و ترس)؛
۳. مسئولیت‌های محدودکننده (کار منزل و نگه‌داری از فرزندان)؛
٤. هنجارهای اجتماعی محدودکننده (هنجارهای جنسیتی، شرایط اجتماعی غیرمنصفانه و برنامه‌ریزی و طراحی نامناسب فضاها).

درمقابل، امکانات شامل روش‌هایی است که به‌کمک آن‌ها فعالیت‌ها و تجارب زنان دربارهٔ فضاهای عمومی شهری بهبود می‌یابد. مراقبت از دوستان، خانواده و برعکس، مراقبت از جانب غریبه‌ها، مراقبت از خود، مراقبت از طرف فضاهای عمومی، و مراقبت به‌منزلهٔ پایه‌ای برای محیط‌های آرمانی فمینیستی مواردی است که در این مدل به‌مثابهٔ امکانات زنان در استفاده از فضاهای عمومی مطرح شده‌اند (ibid: 106-107).

## ۵. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر بر مبنای هدف ارزیابی است؛ فرایندی برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات برای تصمیم‌گیری. دسته‌بندی نوع تحقیق براساس روش در دو سطح تعیین می‌شود: ۱. تحقیق توصیفی و ۲. تحقیق هم‌بستگی درحکم زیرمجموعه‌ای از آن. هدف اصلی این تحقیق بررسی عملکرد بوستان زنان در ارتقای عدالت جنسیتی در شهرها و اهداف فرعی آن شناسایی مهم‌ترین شاخص‌های دست‌یابی به عدالت جنسیتی از دید زنان و نیز بررسی عملکرد بوستان‌های زنان در تأمین این شاخص‌هاست. این پژوهش با تأکید بر موضوع حضور زنان در فضای شهری و بررسی عوامل مؤثر عملکردی ـ اجتماعی در زمرهٔ تحقیقات توصیفی و از نوع ارزیابی و هم‌بستگی است. راه‌برد خالص این پژوهش بررسی هم‌بستگی‌هاست. به‌عبارت دیگر، این راه‌برد به ارتباط میان متغیرهای مستقل و وابسته توجه می‌کند. راه‌برد هم‌بستگی به محقق کمک می‌کند که الگویی از ارتباط میان متغیرهای مستقل و وابسته را شناسایی و امکان ارتباط میان ویژگی‌های عملکردی و اجتماعی فضاها و نتایج رفتاری را پیش‌بینی کند. استراتژی پژوهش نیز تحقیق میدانی، تحقیق موردی، و مردم‌نگاری است (مارشال و راس من، ۱۳۸٦: ۵۹). براساس اهداف پژوهش و هم‌چنین مفاهیم اصلی آن (عملکرد فضا و عدالت جنسیتی)، شاخص‌ها و زیرشاخص‌های زیر (متغیرهای مستقل) برای ارزیابی عملکرد بوستان زنان در ارتقای عدالت جنسیتی (متغیر وابسته) انتخاب شده‌اند (جدول ۱).

www.SID.ir

Archive of SID



**جدول ۱. شاخص‌ها و زیرشاخص‌های پژوهش**

| شاخص | زیرشاخص |
|---|---|
| عملکرد فضا | مدت زمان حضور، دفعات حضور، میزان انجام فعالیت‌های اجتماعی |
| آزادی حضور | نوع پوشش، راحتی در نوع رفتار، آرامش، استقلال |
| دسترسی | سهولت حرکت، خوانایی، وجود وسایل حمل و نقل عمومی به بوستان |
| امنیت | امکان مکث، ساعت و زمان حضور، میزان بروز جرم و مزاحمت |

**(مأخذ: نگارندگان)**

پژوهش حاضر به‌صورت موردی در بوستان زنان آزادگان انجام شده است. بوستان مادر آزادگان به‌منزلهٔ نخستین بوستان ویژهٔ زنان در شهر تهران با مساحت ۲۷ هکتار در پارک آزادگان در منطقهٔ ۱۵ شهرداری تهران واقع است. بوستان همه‌روزه از ساعت ۷ صبح تا ۷ بعدازظهر (به‌جز زمستان) پذیرای بانوان است. در بوستان مادر آزادگان عکاسی و فیلم و ورود فرزندان پسر بالای هفت سال ممنوع است. جامعهٔ هدف در این مطالعه بانوان مراجعه‌کننده به بوستان آزادگان (روزانه ۱۸۰۰ نفر) بوده است که براساس فرمول کوکران حجم نمونه برابر ۱۸۰ به‌دست آمده است. هم‌چنین روش نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی بوده است. پرسش‌نامهٔ پژوهش، که براساس طیف لیکرت (Likert Scale) تهیه شده است، شامل ۳۰ پرسش بوده است. ضریب پایایی آن نیز براساس ضریب آلفای کرونباخ، ۸٤ درصد و در سطح بسیار مطلوبی ارزیابی شده است. نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها پس از تحلیل عاملی، به‌کمک ضریب هم‌بستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS بررسی شده است و از آزمون فریدمن نیز برای رتبه‌بندی زیرشاخص‌ها استفاده شده است. در پایان با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی AHP در نرم‌افزار Expert Choice شاخص و زیرشاخص‌ها اولویت‌بندی شده‌اند.

## ۶. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش برای انجام تحلیل عاملی از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، یعنی عملکرد فضا، دسترسی، آزادی حضور، امنیت، و عدالت جنسیتی برای برآورد ماتریس هم‌بستگی استفاده شده است. هم‌چنین دوران عامل‌ها به روش واریماکس انجام شده است. براساس آزمون کیزرمایر و بارتلت (KMO and Bartlett's Test) سطح معناداری ۰/۰۰۰ به‌دست آمد که چون کم‌تر از سطح خطا، یعنی ۰/۰۵ است، نشان می‌دهد داده‌ها تناسب مطلوبی برای آزمون تحلیل عامل داشته‌اند. هم‌چنین برآوردهای اولیهٔ میزان اشتراک هر پرسش با عوامل

www.SID.ir

Archive of SID



آورده شده است. با توجه به آن‌که برآوردهای اولیهٔ میزان اشتراک هر پرسش با عوامل پنج‌گانه برابر یک بوده است و نسبت واریانس تبیین‌شده نیز بزرگ‌تر از ۰/۳ بوده است، نتیجه‌گیری می‌شود همهٔ پرسش‌ها بیش‌ترین هم‌بستگی را با عامل‌ها داشته‌اند.

تحلیل عاملی نشان داد که مقادیر ویژهٔ عوامل پنج‌گانهٔ بررسی‌شده بالاترین میزان را در نمودار سنگ‌ریزهٔ مقادیر ویژهٔ عوامل در اختیار داشته‌اند و از این روی مهم‌ترین عوامل شناخته می‌شوند.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش بر مبنای نتایج آماری، هریک از فرضیه‌ها به سه زیرفرضیه تقسیم شدند. با توجه به آن‌که در فرضیهٔ نخست دسترسی، آزادی حضور، و امنیت از دید زنان مهم‌ترین شاخص‌های دست‌یابی به عدالت جنسیتی در نظر گرفته شده بودند؛ بنابراین در سه زیرفرضیه وجود رابطهٔ معنادار میان سه شاخص دسترسی، آزادی حضور، و امنیت و عدالت جنسیتی بررسی شد. فرض صفر ($H_0$) در این زیرفرضیه‌ها دال بر فقدان رابطهٔ معنادار و فرض یک ($H_1$) مؤید وجود آن است. براساس نتایج حاصل از آزمون پیرسون، از آن‌جا که مقدار سطح معناداری براساس ضریب هم‌بستگی پیرسون کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، برای هر سه زیرفرضیه فرض $H_0$ رد و فرض $H_1$ قبول می‌شود (جدول ۲).

**جدول ۲. نتایج آزمون پیرسون برای زیرفرضیه‌های فرضیهٔ یک**

| متغیرها | سطح خطا | سطح معناداری | ضریب هم‌بستگی | تأیید فرضیه |
|---|---|---|---|---|
| دسترسی و عدالت جنسیتی | ۰/۰۵ | ۰/۰۲۶ | ۰/۱۱۳ | $H_1$ |
| آزادی حضور و عدالت جنسیتی | ۰/۰۵ | ۰/۰۰۰ | ۰/۱۹ | $H_1$ |
| امنیت و عدالت جنسیتی | ۰/۰۵ | ۰/۰۰۰ | ۰/۲٤ | $H_1$ |

با توجه به تأییدیهٔ زیرفرضیه‌های مذکور، گفتنی است فرضیهٔ اصلی اثبات می‌شود. به بیان دیگر، دسترسی، آزادی حضور، و امنیت از دید زنان مهم‌ترین شاخص‌های دست‌یابی به عدالت جنسیتی به‌شمار می‌رود.

آزمون مشابهی برای فرضیهٔ دوم، یعنی عملکرد بوستان زنان در تأمین مهم‌ترین شاخص‌های دست‌یابی به عدالت جنسیتی از دید زنان، که در مجموع مطلوب تلقی می‌شود، با سه زیرفرض مبنی بر وجود رابطهٔ معنادار میان دسترسی، آزادی حضور، و امنیت و عملکرد بوستان انجام شد که نتیجهٔ آن نیز براساس ضریب هم‌بستگی پیرسون، تأیید فرض $H_1$، یعنی وجود رابطه میان سه شاخص و عملکرد بوستان زنان بود. در نتیجهٔ تأیید سه زیرفرض گفتنی است فرضیهٔ اصلی (فرضیهٔ دو) نیز تأیید می‌شود (جدول ۳).

www.SID.ir

Archive of SID



**جدول ۳. نتایج آزمون پیرسون برای زیرفرضیه‌های فرضیهٔ دو**

| متغیرها | سطح خطا | سطح معناداری | ضریب هم‌بستگی | تأیید فرضیه |
|---|---|---|---|---|
| عملکرد بوستان و دسترسی | ۰/۰۵ | ۰/۰۰۱ | ۰/۱۷ | $H_1$ |
| عملکرد بوستان و آزادی حضور | ۰/۰۵ | ۰/۰۰۰ | ۰/٦۸ | $H_1$ |
| عملکرد بوستان و امنیت | ۰/۰۵ | ۰/۰۰۰ | ۰/۸٤۸ | $H_1$ |

پس از تأیید فرضیه‌ها برای بررسی یک‌سان بودن یا نبودن اهمیت معیارهای دست‌یابی به عدالت جنسیتی از آزمون فریدمن استفاده شد. آزمون فریدمن هنگامی به‌کار می‌رود که داده‌های آماری ترتیبی باشد و بتوان آن‌ها را در رده‌بندی دوطرفه مرتب کرد. در این تحلیل دو فرض $H_0$ و $H_1$ به معنای اهمیت یک‌سان معیارها از دید پاسخ‌دهندگان و دیگری به معنای اهمیت نابرابر معیارها بررسی شدند. براساس نتیجهٔ این آزمون مشخص شد میزان آمارهٔ کی دو برابر ۲۱۱۹/۸۹ با درجهٔ آزادی ۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. از آن جا که میزان سطح معناداری از میزان خطای نوع اول در سطح ۰/۰۵ کم‌تر است، بنابراین فرض یک‌سان بودن اهمیت رتبه‌بندی مؤلفه‌های دست‌یابی به عدالت جنسیتی ($H_0$) رد می‌شود و عوامل اهمیت یک‌سانی ندارند. میزان اهمیت معیارها به‌ترتیب از بیش‌ترین به کم‌ترین مربوط به نوع پوشش (متوسط رتبه ۸/٤۵)، استقلال (متوسط رتبه ٦/٦۰)، خوانایی (متوسط رتبه ٦/۱۵)، سهولت حرکت (متوسط رتبه ۵/٦۲)، آرامش (متوسط رتبه ۵/۳۱)، وجود وسایل حمل و نقل عمومی به بوستان (متوسط رتبه ٤/۹۵)، راحتی در نوع رفتار (متوسط رتبه ٤/۹۲)، امکان مکث (متوسط رتبه ۱/٦۹)، و ساعت و زمان حضور (متوسط رتبه ۱/۳۱) به‌دست آمد.

در آخرین مرحله پس از ساخت مدل سلسله‌مراتبی (AHP) در برنامهٔ Expert Choice و ورود ماتریس‌های مقایسه‌های زوجی، وزن شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها به‌دست آمد که براساس آن شاخص آزادی حضور با وزن نسبی ۰/۵٤ بیش‌ترین اهمیت را در میان شاخص‌ها دارد. پس از آن شاخص دسترسی با وزن نسبی ۰/۳۰ در اولویت بعدی قرار دارد. هم‌چنین نرخ ناسازگاری مقایسه‌های زوجی ۰/۰٦ به‌دست آمد که چون کم‌تر از ۰/۱ است، سازگاری این مقایسه‌ها پذیرفتنی است.

دربارهٔ شاخص آزادی حضور، نوع پوشش با وزن ۰/٤۲۳ در اولویت اول و بالاتر از زیرشاخص‌های آرامش، استقلال، و راحتی در رفتار (به‌ترتیب اولویت) قرار گرفت (نرخ ناسازگاری مقایسه‌های زوجی ۰/۰۰٤).

www.SID.ir

Archive of SID



دربارهٔ شاخص دسترسی زیرشاخص خوانایی با وزن ۰/٦٦۹ و ۰/۲۵٦ بیش‌ترین اهمیت را در مقایسه با دو زیرشاخص دیگر (سهولت حرکت و وجود وسایل حمل و نقل عمومی به بوستان، به ترتیب اهمیت) داشت (نرخ ناسازگاری مقایسات زوجی ۰/۰۸).

از مجموع زیرشاخص‌های امنیت نیز میزان بروز جرم و مزاحمت با وزن ۰/۵۵۳ اولویت برتر را در مقایسه با ساعت و زمان حضور و امکان مکث (به ترتیب اهمیت) در اختیار دارد (نرخ ناسازگاری مقایسه‌های زوجی ۰/۰۰۷).

## ۷. بحث

مروری بر پژوهش‌های مرتبط با موضوع (پیشینهٔ پژوهش) و مطالعهٔ مقالهٔ حاضر نشان می‌دهد که اگرچه مفهوم عدالت جنسیتی و گاه جنسی پیش‌تر بررسی شده است، اما تأکید هیچ‌یک بر بوستان‌های زنان نبوده است. به بیان دیگر، عدالت جنسیتی به‌منزلهٔ اصل کلی در این پژوهش انتخاب شده که با سه زیرمجموعهٔ دسترسی، آزادی حضور، و امنیت تدقیق شده است. این سه شاخص ابعاد کالبدی و اجتماعی ــ فرهنگی را شامل می‌شوند. در شرایطی که برای نمونه در پژوهش دهنوی و معیدفر صرفاً بر ابعاد اجتماعی تمرکز شده است، باید توجه داشت موضوع عدالت جنسیتی می‌تواند با دیدگاه‌های گوناگون در رشته‌های مختلف مد نظر قرار بگیرد، اما در این میان دانش شهرسازی به‌سبب رویکرد میان‌رشته‌ای خود قادر است گسترهٔ وسیع‌تری را در این باره در بر داشته باشد؛ بنابراین این پژوهش از این حیث قادر است نتایج کلان‌تری را ارائه دهد. کاظمی نیز در مطالعهٔ خود، چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید، صرفاً ارتباط جنسیت را با معماری مد نظر قرار داده و جنسیتی شدن فضا را بر این مبنا بررسی کرده است. مطالعات داگلاس اگرچه منبعی غنی در زمینهٔ رویکردهای کاهش بی‌عدالتی جنسیتی به‌شمار می‌رود، اما از دو جنبه با مطالعهٔ حاضر تفاوت دارد: نخست آن‌که اساساً ارتباط مستقیمی با شهر و فضاهای آن ندارد و دوم آن‌که تأکیدی خاص بر ویژگی‌های فرهنگی ـ اجتماعی و البته مذهبی، به‌ویژه در کشور ما ندارد. بنابراین باید اذعان داشت اگرچه نتایج پژوهش‌های پیشین هریک بسیار ارزشمندند، اما یافته‌های پژوهش حاضر نخست از نظر جامع بودن دیدگاه کالبدی ـ اجتماعی به شهر و فضاهای شهری آن و دیگر تمرکز بر بوستان‌های زنان، که برخاسته از شرایط خاص جامعهٔ ایران و نیز جوامع اسلامی است، با نتایج پژوهش‌های پیشین متفاوت است.

نکتهٔ شایان توجه دیگر در پژوهش حاضر آن است که از آن‌جا که ایدهٔ بوستان‌های زنان بر مبنای تفکیک جنسیتی فضاها در کشورها و شهرهای اسلامی مطرح و ایجاد شده است،

www.SID.ir

Archive of SID



بنابراین با نظریه‌های عدالت جنسیتی، که عموماً اندیشمندان امریکایی و اروپایی و هم‌چنین فمینیست‌ها (در ابعاد عمومی و جهانی) مطرح می‌کنند، سنخیت چندانی ندارد. درواقع شاید هیچ فمینیست غیرمسلمانی تفکیک جنسیتی را برای دست‌یابی به عدالت جنسیتی (در استفاده از فضاهای عمومی شهری) نپذیرد، اما زمانی که هدف جوامع مسلمان و نیمه‌سنتی (شهرهای ایران) باشد، قضیه متفاوت خواهد بود.

اگرچه ممکن است ایدهٔ بوستان‌های زنان راه‌کاری ایده‌آل برای دست‌یابی به عدالت جنسیتی در شهرها نباشد، اما با توجه به شرایط حاضر در شهرهای اسلامی به‌نظر می‌رسد این فضاها بتوانند به‌ویژه با تأکید بر اصول اخلاقی مراقبتی با افزایش فعالیت‌های اختیاری زنان در فضاهایی آزادانه و بدون نگرانی از آثار منفی حضور مردان (برای نمونه مسئلهٔ نوع پوشش و نیز مزاحمت لفظی و فیزیکی) بر افزایش حضور و استفادهٔ زنان از فضاهای شهری مؤثر و از این روی در ارتقای عدالت جنسیتی در شهرهای اسلامی مفید باشند.

## ۸. نتیجه‌گیری

بوستان‌ها به‌منزلهٔ زیرمجموعه‌ای از فضاهای عمومی شهری عرصه‌هایی برای فعالیت‌های روزمرهٔ زندگی‌اند که با در اختیار گذاشتن امکانات برای فعالیت‌های گوناگون تفریحی و فراغتی برای سنین و گروه‌های اجتماعی در مقایسه با سایر فضاهای عمومی شهری وجه برجسته‌تری را در اختیار دارند. در میان گروه‌های اجتماعی، زنان به‌ویژه زنان خانه‌دار که امکان حضور کم‌تری را در فضاهای شهری دارند، برای انجام فعالیت‌های فراغتی و تفریحی خود به فضاهایی با ویژگی‌هایی مطلوب و مناسب با هنجارهای عرفی و فرهنگی نیازمندند. به بیان دیگر، گاه به‌دلیل نامناسب بودن این فضاها و تأمین نشدن نیازهای خاص زنان حضور آن‌ها در فضاهای عمومی شهری محدود شده و به نوعی سهم آنان از حقوق شهروندی‌شان کاهش یافته است. در مقایسه با امکاناتی که شهرها برای مردان فراهم می‌کنند، به‌نظر می‌رسد نوع جنسیت زنان آنان را به نحوی با بی‌عدالتی مواجه کرده است.

فضاهای عمومی شهری مکان‌هایی برای رفع نیازهای عمومی در شهرها محسوب می‌شوند. این فضاها صرف نظر از انجام فعالیت‌های اجباری یا اختیاری، محلی برای رخداد فعالیت‌های اجتماعی به‌شمار می‌روند. به‌لحاظ تاریخی، معماری و برنامه‌ریزی شهری فعالیت‌های مردانه تلقی می‌شود و تا حدود دههٔ ۱۹۷۰ برنامه‌ریزی شهری دچار نوعی کوری جنسیتی بوده است. به بیان دیگر، استفادهٔ زنان از این فضاها محدود یا غیرممکن بوده است. از آن زمان به بعد است که زنان خواستار فضایی برای زندگی روزمره (در حکم

www.SID.ir

Archive of SID



موضوعی جنسیتی) با عنوان حق قانونی خود شده‌اند. نکتهٔ درخور توجه آن است که تأثیرپذیری زنان از فضاهای عمومی شهری به‌سبب ارتباط بیش‌تر و نزدیک‌تر آنان با این محیط‌ها در مقایسه با مردان افزون‌تر است؛ بنابراین فضاهای عمومی شهری صرف نظر از کارکرد عمومی خود برای همهٔ شهروندان، به‌سبب تأثیرشان در زنان مهم تلقی می‌شوند. در صورتی که استفاده از این فضاها متأثر از جنسیت افراد شود، عدالت اجتماعی زیر سؤال می‌رود و در نتیجهٔ برهم خوردن این تعادل، عدالت جنسیتی مخدوش می‌شود. این مسئله در کشورهایی مانند ایران به‌سبب نوع آموزه‌های مذهبی و هم‌چنین محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی عرفی و قانونی اهمیت بیش‌تری می‌یابد. درواقع زنان ایرانی در استفاده از فضاهای عمومی شهری با عوامل محدودکنندهٔ چندگانه‌ای مواجه‌اند. در این میان و با توجه به شرایط موجود حاکم بر جامعه به‌نظر می‌رسد ایجاد فضاهای شهری مانند بوستان‌های زنان بتواند با فراهم کردن بستری برای حضور آنان به برقراری نوعی از عدالت جنسیتی در شهرهای اسلامی منجر شود. پژوهش حاضر در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش که آیا بوستان زنان به‌منزلهٔ فضای شهری در ارتقای عدالت جنسیتی در شهرها مؤثر است؟ به‌صورت موردی بوستان مادر آزادگان در منطقهٔ ۱۵ شهرداری تهران را بررسی کرده است. برای این منظور نخست سه شاخص دسترسی، آزادی حضور، و امنیت به‌منزلهٔ مهم‌ترین شاخص‌های دست‌یابی به عدالت جنسیتی از دید زنان بررسی شدند و بر اساس نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه‌هایی که به همین منظور در اختیار زنان مراجعه‌کننده به این بوستان قرار داده شد، تأیید شدند. پس از آن و به روشی مشابه، عملکرد بوستان زنان در تأمین این شاخص‌ها ارزیابی شد و نتیجهٔ مثبت به‌دست آمد. به بیان دیگر، بوستان‌های زنان در شرایط موجود (با تأکید بر محدودیت‌های عرفی و هنجاری و نه مذهبی) راه‌کاری برای ارتقای عدالت جنسیتی در شهرهای اسلامی در نظر گرفته می‌شوند.

## کتاب‌نامه


تانگ، رزمری (۱۳۸۷). *نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمهٔ منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.

ترنر، ج. اچ (۱۳۷۳). *ساخت نظریهٔ جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: نوید شیراز.

داگلاس، سارا (۱۳۸۵). «برابری جنسیتی و طرح‌های ارتقای عدالت: دسترسی برابر زنان به عدالت»، *مجموعه نشریات پایه دربارهٔ جنسیت و حکمرانی مردم‌سالارانه*، برنامهٔ سازمان ملل متحد.


www.SID.ir

Archive of SID



دهنوی، جلیل و سعید معیدفر (۱۳۸٤). «بررسی رابطهٔ احساس برابری جنسیتی و انگیزهٔ تحرک اجتماعی در دختران دانشجو»، مجلهٔ *مطالعات زنان*، س ۳، ش ۷.

رحمانی، بیژن و بتول مجیدی (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط زیست شهری با تأکید بر نگرش اکوفمینیستی (مطالعهٔ موردی: مناطق ٦ و ۸ شهرداری شهر تهران)»، *فصل‌نامهٔ جغرافیایی آمایش*، س ۲، ش ۷.

عزیزی، پروانه و رزا آذر کمند (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر آموزش بر اشتغال زنان»، *فصل‌نامهٔ جغرافیایی آمایش*، س ۳، ش ۸.

کاظمی، مهروش (۱۳۸۸). «رویکردی تحلیلی به مقولهٔ جنسیت و تأثیر آن در کیفیت فضا (نمونهٔ موردی پارک فجر تبریز)»، نشریهٔ *هویت شهر*، س ۳، ش ٤.

مارشال، کاترین و گرچن ب. راس من (۱۳۸٦). *روش تحقیق کیفی*، ترجمهٔ علی پارساییان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

محمدی، مریم (۱۳۸۷)، «عدالت جنسیتی در طراحی فضاهای شهری با تأکید بر حضور زنان (نمونهٔ موردی فضای محله‌ای چیذر)»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه علم و صنعت ایران.

Carr, S., M. Francis, L.G. Rivlin and A.M. Stone (1992). *Public Space*, Cambridge, Harper Perennial, London.

Chelkoff, G and J. P Thibaud (1992). *L'espace Public*, Modes Sensible les annals de la recherché urbanie.

Day, Kristen (2000). "The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space", *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 20.

De Beauvoir, Simon (1974). *The Second Sex*, trans. and ed. H. M. Parshley, NewYork; Vintage Books.

Engels, Friedrich (1972). *The Origion of the Family, Private Property and the State*, NewYork: International Publishers.

Franck, Kevin (2002). *Women and Environment*, Handbook of Environmental Psychology, John Wiley and Sons, New York.

Krenichyn, K. (2004). "Women and Physical Activity in an Urban Park: Enrichment and Support through on Ethic of Care", *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 24.

Mill, John Stuart (1970). "The Subjection of Women", in J.S. Mill and H. Taylor, *Essay on Sex Equality*, ed. Alice Rossi, Chicago: University of Chicago Press.

Turner, D. et al. (1997). *The structure of Sociological Theory*, Wadsworth Publishing Company, New York.

Wekerle, Gerda R. (2002). *Gendered Space of a Pluralistic Citizenship in Democracy, Citizenship and the Global City*, Reutledge, London.

Wolstonecraft, Mary (1975). *A Vindication of the Rights of Women*, ed. Carol H. Poston, NewYork: W.W. Norton.

www.SID.ir

Archive of SID

www.SID.ir